

قانون

آیین دادرسی کیفری

در نظم کنونی

همراه با قانون دادرسی نیروهای مسلح و آراء وحدت رویه
نظریات مشورتی و اصول دادرسی کیفری

مؤلفان:

محسن دیبائزاد - یعقوب شایسته



مجمع علمی و فرهنگی مجد

عنوان قراردادی :	ایران، قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور :	قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی / محسن دیبائزاد.
مشخصات نشر :	تهران: مجد، ۱۳۹۳.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۲۹۵-۳
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
موضوع :	آیین دادرسی جزایی -- ایران
موضوع :	حقوق جزا -- ایران
رده بندی کنگره :	۱۳۹۳ ۲ق ۹۳/۶۱۰/۴۶۱۰ KMH
رده بندی دیویی :	۳۴۵/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی :	۳۷۳۶۱۰۸

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است. موارد تخلف را به دفتر مرکزی (مجده) گزارش فرمایید.

قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی

مؤلفان: محسن دیبائزاد، یعقوب شایسته

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۴ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصر «مجده» است.
دفتر مرکزی:

تهران، خیابان ۱۲ فروردین، تقاطع خیابان وحید نظری، پلاک ۱۰۸

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۲۹۵-۳

ISBN: 978-600-193-295-3

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (متری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

شعبه یزد: خیابان فرخی یزدی، مجتمع تجاری شقایق، طبقه هم کف - تلفن: ۳۶۲۶۸۶۷۰ ۰۳۵

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجده»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۳۰۰۰۸۷۷۶۷۷

فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید مبرز حقوق کشور بطور منظم منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۳	اصول دادرسی منصفانه
۳۱	بخش اول: کلیات
۳۳	فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن
۴۳	فصل دوم: دعوای عمومی و دعوای خصوصی
۹۳	بخش دوم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی
۹۵	فصل اول: دادرسی و حدود صلاحیت آن
۱۰۲	فصل دوم: ضابطان دادگستری و تکالیف آنان
۱۴۸	فصل سوم: وظایف و اختیارات دادستان
۱۸۹	فصل چهارم: وظایف و اختیارات بازپرس
۱۸۹	مبحث اول: اختیارات بازپرس و حدود آن
۲۲۹	مبحث دوم: صلاحیت بازپرس
۲۴۱	فصل پنجم: معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی
۲۹۷	فصل ششم: احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان
۲۹۷	مبحث اول: احضار، جلب و تحقیق از متهم
۳۴۷	مبحث دوم: احضار و تحقیق از شهود و مطلعان
۴۲۲	فصل هشتم: اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات
۴۴۶	فصل نهم: تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان
۴۵۱	فصل دهم: وظایف و اختیارات دادستان کل کشور
۴۵۹	بخش سوم: دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی
۴۶۱	فصل اول: تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری
۵۴۵	فصل دوم: رسیدگی به ادله اثبات
۵۶۲	فصل سوم: رسیدگی در دادگاه‌های کیفری
۵۶۲	مبحث اول: کیفیت شروع به رسیدگی
۵۹۲	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۶۰۸	مبحث سوم: صدور رأی
۶۱۸	فصل چهارم: رسیدگی در دادگاه کیفری یک

۶۱۸.....	مبحث اول: مقدمات رسیدگی
۶۳۷.....	مبحث دوم: صدور رأی
۶۴۱.....	فصل پنجم: رأی غیابی و وخواهی
۶۴۷.....	فصل ششم: رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان
۶۴۷.....	مبحث اول: تشکیلات
۶۵۱.....	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۶۵۶.....	فصل هفتم: احاله
۶۶۷.....	بخش چهارم: اعتراض به آراء
۶۶۹.....	فصل اول: کلیات
۶۹۰.....	فصل دوم: کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان
۷۰۳.....	فصل سوم: کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور
۷۲۰.....	فصل چهارم: اعاده دادرسی
۷۳۵.....	بخش پنجم: اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی
۷۳۷.....	فصل اول: کلیات
۷۶۰.....	فصل دوم: اجرای مجازات حبس
۷۷۴.....	فصل سوم: اجرای محکومیت‌های مالی
۷۸۴.....	فصل چهارم: اجرای سایر احکام کیفری
۷۹۷.....	بخش ششم: هزینه دادرسی
۸۰۵.....	بخش هفتم: سایر مقررات
۸۱۱.....	ضمائم
۸۱۳.....	بخش هشتم: آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح
۸۳۰.....	بخش نهم: دادرسی الکترونیکی
۸۳۶.....	بخش دهم: آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای
۸۴۱.....	بخش یازدهم: آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی
۸۴۳.....	بخش دوازدهم: سایر مقررات
۸۴۵.....	منابع

مقدمه

«به نام دادگر حق و دادیار خلق»

یکی از بزرگان جامعه ی حقوقی، جمله ای دارند که برای هر خواننده ای قابل تأمل است: اگر به کشوری پای نهادید و خواستید بدانید که در آن کشور حقوق و آزادی های فردی به چه میزان حفظ می شود، به قانون آئین دادرسی کیفری آن کشور مراجعه کنید. همانطور که می دانیم آیین دادرسی کیفری یکی از رشته های علوم جنایی است که به مطالعه سازمان و تشکیلات مراجع قضایی و نحوه رسیدگی آنها می پردازد و هدف کلی این رشته نیز یکی اعاده نظم لطمه دیده از جرم از طریق سازمان دهی نهادهای عدالت کیفری و دیگری حفظ حقوق و آزادی های اساسی افراد از طریق تنظیم واکنش جامعه در برابر بزهکاری است.

علاوه بر این فرشته عدالت دو بال دارد به نام وکالت و قضاوت. اجرای عدالت نیز به این دو بال بستگی دارد که تعدی و تفریط هر کدام از این شاخه ها باعث می شود که عدالت از هدف خود دور گردد و ما را از رسیدن به مدینه فاضله باز خواهد داشت. هیچ کدام از اهداف مذکور نباید به هر نحو یا بهانه ای مورد تجاوز طرفین دعوای کیفری قرار گیرد.

همانطور که می دانیم جرم تقابل جامعه و فرد می باشد. جامعه به دنبال حفظ نظم و امنیت خود و شخص به دنبال آزادی های شخصی. اگر فرد و جامعه نتوانند باهم سازگاری داشته باشند در پاره ای موارد قانون اعمال فرد را جرم تلقی نموده و مستوجب تعقیب کیفری می داند. در اینجا جامعه به عنوان یک طرف دعوای کیفری و متهم نیز طرف دیگر این دعوا می باشد. دادستان به نمایندگی از جامعه نباید این حق را داشته باشد که به هر عنوانی متهم را مجازات نماید. دادستان (همانطور که بعضی از اساتید آن را دشمن شریف متهم می دانند) باید، خود مجری هر چه بهتر اجرا کردن قانونی باشد که به تصویب قوه مقننه رسیده است، نه اینکه طرف دعوا قرار گرفته و دعوا را به هر طریقی به سود خود پایان برد البته به جای خود باید بدون هیچ ملاحظه ای از حقوق جامعه به بهترین وجه دفاع نماید. آیین دادرسی کیفری رشته ای است که تقابل جامعه و متهم را به شکلی سازمان دهی می نماید که نه حق جامعه تضییع گردد

و نه حقی از متهم به عنوان یک شهروند سلب گردد، و مقرراتی را جهت رسیدگی های کیفری در این خصوص مقرر می دارد.

شاید سؤال شود که بین آیین دادرسی کیفری و حقوق و آزادی های فردی چه ربطی وجود دارد؟ این طور استدلال می کنند که برای اینکه قدرت تحمل جامعه را بفهمیم، باید بدانیم که با متهمینش چگونه برخورد می کند و سعی صدر جامعه در مقابل متهمین چگونه است و آیا حقوق آنها رعایت می شود یا خیر. آیا این افراد می توانند از خود دفاع کنند و بی گناهی خود را ثابت کنند؟ آیا حق دفاع از طریق وکیل برای این ها شناخته شده است؟ وکیل در این جوامع چه جایگاهی دارد؟ و...؛ اینها سئوالاتی است که ذهن هر شهروندی را مشغول می کند که باید پاسخ آنها را در قانون آیین دادرسی کیفری هر کشوری جستجو کنیم.

مقررات آیین دادرسی کیفری از گذشته های دور دست خوش تغییر و تحولات زیادی بوده است. با گذر زمان و هم چنین گذر جوامع مختلف از دوره انتقام خصوصی (که خود دارای معایب زیادی می بود) جوامع به سمت حفظ حقوق متهم و جامعه با تاکید بر اصول اخلاقی و قانونی پیش رفتند. به موازات پیشرفت علم حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری نیز به تبع آن در جهت وضع قوانین مناسب و اجرای عدالت، مورد تغییر و تحول قرار می گرفت. بعد از دوره تعدیل نسبی انتقام خصوصی، این دوره به طور کلی تعدیل گردید و جامعه به سوی نوعی دادگستری عمومی پیش می رفت. آیین دادرسی کیفری نیز به عنوان بازوی اجرایی دستگاه عدالت پایه پای این تحولات پیش می آمد. نظام حقوقی کیفری ایران در پرتو این تحولات به چهار دوره تقسیم بندی شده است.

۱- دوره پیش از اسلام ۲- دوره اسلامی ۳- دوره مشروطیت ۴- دوره جمهوری اسلامی (ما در مقام بحث این دوره ها نیستیم).

اصلاح آیین دادرسی کیفری در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دفعات اتفاق افتاده و پدیده جدیدی نمی باشد، و هر بار نیز گویای این نکته است که قوانین نیاز دستگاه قضایی کشور را برآورده نکرده است که همین امر موجب اصلاح این قانون در دفعات متعدد شده است. در سال ۱۲۹۰ شمسی بود که برای اولین بار قانون آیین دادرسی کیفری تحت عنوان "قانون موقت اصول محاکمات جزایی" به تصویب کمیسیون عدلیه

مجلس شورای ملی رسید. در ابتدا این قانون مشتمل بر ۴۹۲ ماده بود اما در نهایت با ۵۰۶ ماده در مورخه ۱۱/۰۶/۱۲۹۰ از طرف دولت وقت به وزیر عدلیه ابلاغ و به مرحله اجرا در آمد. بدین ترتیب اولین قانون به معنی خاص آن برای رعایت تشریفات آیین دادرسی کیفری به تصویب رسید. این قانون که از قانون فرانسه اقتباس شده بود، همانند قانون فعلی آیین دادرسی کیفری، نظام دادرسی مختلط را برگزیده بود، که به موجب این نظام دادرسی کیفری در مرحله رسیدگی مقدماتی به صورت تفتیشی، یعنی ویژگی های کتبی بودن، غیر علنی بودن و غیر توافقی بودن را دارا بود. اما در مرحله دادرسی وضع به گونه ای دیگر بود یعنی دادرسی به صورت اتهامی که دارای ویژگی های شفاهی بودن، علنی و توافقی بودن می بود صورت می پذیرفت. هر چند این قانون به تصویب قوه مقننه نرسید و به طور آزمایشی و موقت به اجرا گذاشته شد، با این وجود پایه و اساس دادرسی کیفری ایران را باید همین قانون دانست. این قانون که حدوداً ۹۷ سال عمر داشت و تا قبل از تصویب قانون دادرسی نیروهای مسلح در محاکم نظامی اجرا می شد، به دفعات بر حسب اقتضائات شرایط زمانی و هم سو با قوانین سایر کشورها تغییرات و اصلاحات زیادی به خود دیده است. باید یاد آور شد که مهم ترین تغییری که در قوانین آیین دادرسی کیفری بعد از انقلاب رخ داده حذف دادرسی به موجب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ حذف شد که با اهدافی از جمله تسریع رسیدگی به دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ... این اقدام صورت پذیرفت. هم چنین باید گفت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم تبعیت از قوانین شرعی استناد به قواعد دادرسی اسلامی، اقرار متهم باید در زمانی که اقرار کننده دارای بلوغ و عقل و آزادی اراده (اختیار) است نزد قاضی محکمه به عمل آید لذا اقراری که نزد بازپرس یا دادیار انجام می گرفت فاقد استحکام و ارزش لازم بوده و از نظر شرعی اعتبار نداشت. بدین ترتیب به نظر می رسد مهمترین یا حداقل یکی از مهمترین دلایل حذف دادرسی از سیستم دادرسی کیفری و تدوین و تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب وجود همین نقیصه در سیستم دادرسی قبلی بود.

حذف دادرسی که بعد از مدت ۸۰ سال در قانون آیین دادرسی کیفری رخ داد معایبی زیادی را برای سیستم قضایی کشور به دنبال داشت از جمله: محقق نشدن اهداف تأسیس دادگاه های عام که رؤیای مراجعه مستقیم مردم به قاضی و مرجع قضائی واحد

و یکپارچگی صلاحیتهای محاکم را در رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری وعده داده بود، به قدری واضح و مبرهن شد که حتی مدافعان دادگاه های عام نیز سخن به انتقاد گشودند و خواستار احیای دادرسی شدند. در همین راستا کمی بعد در سال ۱۳۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب مجلس رسید. اما این بار نیز دادرسی در این قانون پیش بینی نشده بود و با حجم و تراکم بیش از حد پرونده ها در دادگستری سبب گردید تا در سال ۱۳۸۱ با اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری بعد از ۸۰ سال دوباره دادرسی به نظام قضایی ایران برگردد. با تصویب این اصلاحیه علاوه بر دادرسی نهادهای دیگری از جمله دادگاه کیفری استان به صلاحیت رسیدگی به جرایم خاص در این قانون بوجود آمد. تجاربی که از اجرای قوانین قبلی به دست آمده بود گویای این بود که ابهامات و ایرادات موجود در قوانین باید به گونه ای معدوم و یا کم رنگ شوند و این خود نیز نیازمند تدوین قانونی مناسب و منطبق با معیارهای اخلاقی و استانداردهای جهانی و همچنین همپای تحولات علمی و جامعه بین المللی باشد. همین امر سبب گردید که در سال ۱۳۸۷ لایحه به نام قانون آیین دادرسی کیفری روانه مجلس گردد. سرانجام انتظارت به سرانجام رسید و بعد از حدود ۵ سال این لایحه در مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۴ به تأیید شورای نگهبان رسید و رنگ قانون به خود گرفت. تا قبل از تصویب این قانون مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ به همراه قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در دادگاه ها و دادرسی های کشور اجرا می شد، هر چند که بعد از گذشت تقریباً یک سال از تصویب این قانون، هنوز به مرحله اجراء در نیامده است. برخلاف نظر بعضی از اساتید گرانقدر که این قانون را با قرار دادترکمنجای مقایسه کرده اند و حتی اعتبار قرار دادترکمنجای را برای کشور ایران بیشتر از وضع این قانون می دانند باید گفت: این حرفی درخور شأن قانون گذاران و حقوقدانان برجسته ی کشور نیست چرا که این قانون برگشتی به عقب نداشته است، یعنی نه تنها مقررات و حقوق دفاعی متهم را که در قوانین قبلی مقرر گردیده بودند را دارا می باشد همچنین حق از متهم را که در قوانین قبلی به رسمیت شناخته شده بود را نقض نکرده است بلکه مقررات خاصی را نیز جهت تقویت این حقوق در این قانون گنجانده است از جمله: حقوق دفاعی متهم به خصوص کودکان و زنان را مورد توجه قرار داده، اصل برائت که پایه و مبنای تمام دادرسی های کیفری می باشد را به صراحت در ماده ۴ این

قانون گنجانده است، همچنین اصل قانونی بودن مجازات و دادرسی در این قانون نیز تصریح شده است. دادرسی الکترونیکی نیز دیگر مواردی است که جهت تسهیل امور در این قانون در تمامی مراحل دادرسی مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. اصلی حق سکوت متهم و اینکه نمی توان افراد را مجبور به حرف زدن کرد را نیز به صراحت در این قانون آمده است. پیش بینی حضور وکیل متهم در کنار وی در مرحله تحقیقات مقدماتی از ویژگی های چشمگیر این قانون است. البته باید گفت که هر قانونی بی عیب و نقص نیست و ما منکر نواقص و ابهامات موجود در این قانون نیستیم و تا رسیدن به یک قانون فراگیر و مورد تأیید جامعه حقوقی کشور و منطبق با معیارها و استانداردهای اخلاقی و قانونی باید با نقد منصفانه قوانین و همچنین پیشنهاد و ارائه قانون مورد نظر، قانون گذاران محترم را در این زمینه یاری نمایم.

و من ... توفیق

محسن دیبازاد- یعقوب شایسته بهمن ماه ۱۳۹۳